

معرفی و بررسی "احوال الخواقین" تاریخ فارسی در شبه قاره

حامد علی*

چکیده:

"احوال الخواقین" در ۱۱۵۱ هـ/ ۱۷۳۸ م به پایان رسید، این اثر مهمترین تاریخی در واقع تاریخ تخت نشینی جانشینان اورنگ زیب عالمگیر بعد از درگذشت وی در ۱۷۰۷ م تا حمله نادر شاه (۱۷۳۸-۳۹ م) است.

احوال الخواقین دو تا بخش دارد. بخش اول از درگذشت اورنگ زیب تا تخت نشینی و معزولی مهرداد فرخ سیر (۱۱۲۴-۱۷۱۲/۱۱۲۱-۱۷۱۹ م) است. در و پایان بخش اول ذکر جلوس محمد شاه است. بخش دوم مشتمل بر تخت نشینی رفیع الدرجات (۱۱۳۱ ق/ ۱۷۱۹ م) تا حمله نادر شاه به کابل است. نویسندۀ احوال الخواقین، محمد قاسم اورنگ آبادی از هم عصران و درباریان محمد معظم شاه عالم بود. (بهادر شاه اول ۲۳-۱۱۱۸ ق/ ۱۲-۱۷۰۷ م) بود و در "بهار" (استان بندوستان فعلی) در خدمت عظیم الشان فرزند معظم شاه بود.

محمد قاسم در ارتش نظام الملک آصف جاه (۴۸-۱۷۲۴ م) در حیدر آباد دکن بود و دوران نظامت دکن، منصب میر بخشی نیز به وی اعطا شد. محمد قاسم در جنگ با علیه مرسته با و چند تا باغبان دیگر از طرف تیموریان متاخر شرکت کرد.

واژه های کلیدی: احوال الخواقین، قاسم اورنگ آبادی، اورنگ زیب عالمگیر، نادر شاه، تاریخ شبه قاره، ادب فارسی در شبه قاره، تاریخ نویسی فارسی.

* دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور-پاکستان

محمد قاسم اورنگ آبادی

نویسنده "احوال الخواقین" محمد قاسم اورنگ آبادی بخشی در ارتش نظام الملک بود. در باره خانواده خود، محمد قاسم در نسخی خطی آورده است " خاکسار بزرگان دہلی کہ در قوم مغلیت بہ عرصہ وجود آمدہ است، با سیر کتب نیز متایل و صحبت شریف ارباب معنی را از صمیم القلب خواہندہ، نخواندہ و شنیدہ کہ در بیچ عہدی این چنین قوم سخت کوش و سست فطرت دروسعت آباد دنیا بہ ظہور آمد۔ (محمد قاسم، ص، ۱۲۵)

نویسنده درباری احوال کودکی و جوانی خود نوشتہ است "از انجا کہ این خاکسار را در خدمت آن یگانہی آفاق اعتقاد تمام بود، اکثر اوقات در مجلس درس و شعر خانی و تواریخ اتفاق مذاکرہ دست می داد، در حالت مدابنہ حسن وقیح آن نیک نہاد معاینہ گردید (محمد قاسم، ص، ۲۵۷)

نویسنده درباری ملازمت خود نیز آورده است کہ "راقم این سرگذشت بہ حوالی بہار در رکاب سعادت شاہزادہ ہای والا نژاد تعیین شدہ بودند، ہر گاہ کہ بہ سیر و شکار تشریف ارزانی می داشتند، خانزادان مذکور بہ جلو حاضر می شدند، اما التفات شاہزادہ ہای والا قدر برین خاکسار زیادہ از حد بود و در ہر سخن و حرف مخاطب می کردند، بلکہ بہ کرات و مرات می فرمودند کہ ترا از زمربئی دولت خواہان حقیقی می دانیم، اگر طالع و وقت مساعدت نماید، از مخصوصان اینجانب خوابی شد، لکن موقوف بر قسمت است ہر گاہ کہ نوبت بہ شاہزادہ با نرسیدہ باشد، من ذرہ بنیان چہ باشم". (محمد قاسم، ص، ۱۶۹)

محمد قاسم در حدود (۱۰۶۰-۱۱۵۷ ق/ ۱۶۷۰-۱۷۴۵) زندگی می کرد. مؤلف چون ارتباط با ارتش داشت، بنا بر این در منابع معاصر از قبیل تذکرہ ہای علما و شعرا و صوفیا، ذکر نشدہ است. برخی از اطلاعات درباری زندگی اوفقط در آثار خودش وجود دارد۔ پس بندہ سعی کردم کہ از او طول عمر نویسنده را از طریق اثر او حدس بزنم.

- محمد قاسم اورنگ آبادی بمصر محمد معظم شاہ عالم بہادر شاہ اول (۱۰۵۲-۱۱۱۸ ق/ ۱۶۴۳-۱۷۱۲) و در ملازمت بہادر شاہ اول (۱۱۱۸ تا ۱۱۲۴ / ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۲) بود.

- شاہ عالم مصنف را در ایالت بہار (Bihar) بہ خدمت عظیم الشان (۱۰۷۴-۱۱۲۳ ق / ۱۶۶۴-۱۷۱۲) صوبہ دار بنگال و بہار واوریسہ متعین ساخت.

- مصنف کتاب " احوال الخواقین" را در ۱۵۱۱ ق / ۸۳۷۱ م، بہ پایان رساند و تا آن سال زندہ بود. (ریو، ۲۷۶ / ۱)

محمد قاسم اورنگ آبادی میر بخشی نظام الملک آصف جاه (۱۰۸۱-۱۱۶۱ ق / ۱۶۷۱-۱۷۴۸ م) بود. نظام مصنف را دوران نظامت دکن (۱۷۲۴-۱۷۴۸ م / ۱۱۳۲-۱۱۶۱ ق) منصب بخشی عطا کرد. نویسنده علاقه مند و دوست متوسل خان ۱۱۵۵ / ۱۷۳۴ ف؛ (استوری، ۱۹۵۷، ص ۲۷۶) فوجدار بگلانه (۱۱۴۹ ق)، داماد و خاله زاده نظام الملک و برادر حقیقی حزرالله خان و طالب محی الدین بود. متوسل خان بهادر همسر خیر النساء بیگم، دختر نظام الملک آصف جاه بود و پسر آنان هدایت محی الدین مظفر جنگ بود که بعداً نظام حیدر آباد گشت (۱۷۵۰-۱۷۵۱ م) نویسنده نوشته است "در آن جنگ باعث فتح لشکر نظام الملک گویا متوسل خان بهادر شد. چنانچه نظام الملک آن شجر سعادت را از آنجا که قرابت قریبه بود، بسیار دوست می داشت و یک ساعت از خود جدا نمی کرد. آخر الامر صبیهی خود را در عقد ازدواج آن گوهر یکتای منسلک گردانیده، برگاه که عزیمت به جانب دکن کرد (محمد قاسم، ص ۲۵۹)

- بعد از آن در دوربئی فرخ سیر (۱۱۲۴-۱۱۳۱ ق / ۱۷۱۲-۱۷۱۹ م) و محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ ق / ۱۷۹۱ تا ۱۷۴۹ م) صوبه دار مالوا و حیدر آباد دکن بود و سپس اعلام و تأسیس ریاست خود مختار حیدر آباد دکن (۱۷۲۴-۱۷۲۸ م) کرد. محمد قاسم در جنگ های آصف جاه بر ضد مرسته ها، کارهای نمایان انجام داد. نظام الملک مصنف را با یک هزار و بیفتصد سوار و دو هزار پیاده برای کمک حفیظ الدین خان بهادر، نایب فرخنده بنیاد (حیدرآباد) به راج بندری و ایلور فرستاد برای سرکوبی سومنا راؤ، برادر اپا راو که در ایلور قلعه بند شده بود، جایی که آنجا در سرکردگی سید لشکر خان کار های نمایان انجام داد.

- همانجا خبر تفویض منصب فوجداری آن نواح به نام سید لشکر خان رسید. مصنف هم درس (class.fellow) سید لشکر خان بود (ریو، ۱۹۶۶، ۲۷۷) و خدمت بخشیگری بهم از خود و هم از ارتش نظام الملک برین خاکسار تفویض نمود، نیز لشکر خان در سال ۱۱۵۴ ق / ۱۷۴۱ م خطاب نصیر جنگ از نظام الملک یافت. نویسنده آورده است "راقم بعد انقضای دوشهر بایک هزار و بیفتصد سوار و دو هزار پیاده برای کمک حفیظ الدین خان بهادر فرستاده بود. برگاه این خاکسار در رسید بعد انقضای دو هفته خان مذکور دایره بیرون نکرد و از برادران شقی بد نهاد در قلعه کوبی با ده هزار پیاده نشست بود و برآن نواح ایذا می رسانید" (محمد قاسم، ص ۲۰۴)

در باربئی رفاقت لشکر خان دوران مهم بر خلاف سردار مرسته، سومنا راؤ، برادر اپا راؤ نوشته است "برگاه که سید لشکر خان را با فوج شایسته به نیابت نخست بنیاد مقرر کرد و تمام اختیار مدار

ممالک مذبور را برو تفویض نموده، آصف جاه به جانب کرنا تک رفت، از آنجا که آن سید برحق برگزیده‌ای آفاق و در جمیع علوم ید طولی دارد، خصوصاً در عالم شجاعت و سخاوت و عدالت و اخلاق محامده علم آزادی می افراشت. راقم چه جرات دارد که شمه ای از خوارق محامده او درج تواند کرد، در حقیقت آفتاب لشکر آصف جاه است، بلکه خورشید عالم می توان گفت. بالجملة بعد نهضت نمودن داخل خجسته بنیاد شد و به کاروبار مرجوعه‌ی خود پرداخت و فوج را حسب الامر بر حراست عاملان جابه جا تعیین ساخت تا کاروبار ممالک مذبور صورت انجام پذیرد و مقرران سر برتانبند (محمد قاسم، ص، ۲۳۵)

نسخه‌ی خطی احوال الخواقین

عهد تیموریان (۹۳۲-۱۲۷۳ق) از مهم ترین دوره های تاریخ شبه قاره است که مورد بررسی و تحقیق پژوهشگران قرار گرفته است. احوال الخواقین نه فقط یکی از آثار مهم ترین تاریخی دوربی تیموریان متأخر (Later Mughal Period) است بلکه از مهم ترین مآخذ اساسی (primary sources) به شمار می آید و منبع وقائع چشم دیده و اطلاعات گونا گون است. سالی تکمیلی احوال الخواقین ۱۱۵۱ ق/۳۹-۱۷۳۸م است. مصنف در ترقیمه نوشته است " این نسخه که موسوم به احوال الخواقین است، از افضل کارساز (ص ۱۵۰) بنده نواز حقیقی و از طفیل سر دفتر جمیع انبیای کرام به عرصه چهار و نیم ماه از یآوری قلم محمد قاسم خاکسار بزرگان دلی؛ لکن از عنایت غیبی و از معاونت لاریبی، نه از استعداد این کس که حکم بی لغزش زبان نتواند کرد، بتاریخ دوم شهر رمضان المبارک ۱۱۴۷ هجری اختتام یافت" احوال الخواقین در دو بخش است.

بخش اول: از رحلت اورنگ زیب (۱۱۱۸ تا ۱۵۱۱ق/ ۱۷۰۷-۱۷۳۸م) تا تاج گذاری محمد شاه است. جنگ های تخت نشینی میان پسران اورنگ زیب، محمد معظم شاه و اعظم شاه و کام بخش و فتح محمد معظم شاه عالم بهادر شاه اول (۱۱۱۸ق / ۱۷۰۷م تا ۱۱۱۲ق / ۱۷۱۲م) و دوربی او. سپس جنگ با میان پسران شاه عالم، جهاندار شاه، جهان شاه و عظیم الشان و رفیع الشان. تخت نشینی جهاندار شاه (۱۱۲۴ق / ۱۷۱۲م)، بغاوت فرخ سیر بن عظیم الشان و جنگ میان آنان، پیروزی و تخت نشینی محمد فرخ سیر (۱۱۲۴ق / ۱۷۱۲م تا ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹م) از کمک سادات باره و قصه طولانی سیاوش و حاتم طائی نیز در آن ذکر شده است. دست درازی سادات در کاروبار سیاسی و تسلط در دربار، معزولی فرخ سیر، از دست سید برادران ۱۶ فوریه ۱۷۱۹م/ ۸ ربیع الاول ۱۱۳۱ق. تخت نشینی رفیع الدرجات (۱۳۱۱ق / ۹۱۷۱م) و رفیع الدوله شاهجهان ثانی (۱۳۱۱ق / ۹۱۷۱م) و محمد نیکو سیر ۲ جمادی الثانی

تا ۲۷ رمضان ۱۱۳۱ ق / ۱۷۱۹ م و در پایان بخش اول ذکر جلوس محمد شاه (۱۱۳۱ هـ / ۱۷۱۹ تا ۱۱۶۱ ق / ۱۷۶۹ م) است. تاریخ تکمیل بخش اول ۲ رمضان ۱۱۴۷ ق / ۱۶ جنوری ۱۷۳۵ م است. بخش دوم: از تحت نشینی رفیع الدرجات (۱۱۳۱ ق) تا لشکر کشی نادر شاه به کابل است. در این جلوس محمد شاه و تسلط سادات و بیزاری شهنشاه از دست درازی آنان. مخالفت سادات به نظام الملک و جنگ های نظام برخلاف دلاور علی خان و عالم علیخان فرستادگان سادات. جنگ های نظام الملک و مبارزخان و شکست مبارزخان (شکر کپره ۱۱۳۶ ق / ۱۷۲۴ م) انقراض سادات باریه، امیرالامراء سید حسین علی خان (۱۱۳۲ ق / ۱۷۲۰ م) و سید عبدالله خان قطب الملک (۱۱۳۴ ق / ۱۷۲۲ م) از دست محمد شاه به کمک نظام الملک. وزارت امین خان (۱۱۳۲ ق / ۱۷۲۰ م) و بعد رحلتش وزارت نظام الملک (۱۱۳۴-۱۱۳۶ ق / ۱۷۲۲-۱۷۲۴) و استعفای او. اوج گرفتن نظام در دکن و تاسیس امپراتوری جداگانه نظام الملک در دکن (۱۱۳۶-۱۱۶۱ ق / ۱۷۲۴-۱۷۲۸ م) مهیات نظام به کرناتک جنگ ها به باجی راو، تفویض صوبه داری مالوا بنام باجی راو و سند صوبه داری مالوا به نام باجی راو و به ذکر حمله نادر شاه به هندوستان (۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸-۳۹ م) و کارهای نمایان متوسل خان بهادر (۱۱۵۵ / ۱۷۴۳ م) خاتمه یافت.

نسخه های خطی احوال الخواکین

- ۱- نسخه ای کتابخانه موزی بریتانیا در لندن (ریو، صص ۲۷۷-۲۷۶)
- ۲- نسخه ای موزی سالار جنگ، حیدر آباد دکن، هندوستان (اشرف، ۱۹۶۳ م، ص ۳۵۱)
- ۳- نسخه ای موزی ملی کراچی (پاکستان) این نسخه ای فقط از بخش اول و از آخر ناقص است. (نوشایی، ۱۹۸۴، ص ۱۸۱)

مشخصات نسخه خطی:

آغاز: سلطنت کوبین و صیانت دارین به ذات مقدس (منزوی، ۱۹۸۸ م، ص ۴۹۶ ریو ص ۲۷۶)

کاتب: نسخه ای اساس مصنف است

خط: نستعلیق

اندازه: ۱۷ x ۲۴

متن: ۱۴ x ۲۰

ضحات: ۲۶۱ برگ

سطرها: ۱۷

تاریخ تکمیل: دوم شهر رمضان المبارک ۱۱۴۷ق تا ۱۱۵۱ق

اشتباهات متن در حاشیه آورده شده است، پاراگراف ها

عنوان ها: متن نسخه‌ی اساس بدون پاراگراف جداگانه، و نسخه‌ی بدل /ثانی عنوان ها سرخ دارد (نوشایی، ۱۹۸۴، ص ۱۸۱ک)

سبک نگارش نسخه‌ی خطی

متن کتاب نمونه‌ی نثر ساده و مرسل است که گاهی رنگ ادبی به خود می‌گیرد، حتی محلی و اقتباس های مصنوع در آن بهم دیده می‌شود. نویسنده شیویی عبارت آرائی و بیان شاعرانه، کار بردن تشبیه و استعاره، تمثیل و کنایه و جز آن به اوج رسانیده است. نیز متن از صنعت متضاد و مترادف، ترکیب های توصیفی، اصطلاحات محلی و کلمه ها عربی و ضرب المثل ها و اصلاحات حرب و شعر و صناعت ادبی دیگر آراسته شده است، می‌توان گفت که این نمونه‌ی سبک هندی است و انداز نگارش خیلی متوازن است حتی نویسنده به حد افراط نمی‌رسد. نیز از جمله ها متناسب استفاده کرده دامن اختصار از دست نداد.

نمونه متن: "برگاه که مقدمه‌ی محمد فرخ سیر مظلوم برهم خورد و اعلام افتتاح قطب الملک و امیر الامراء مرتفع گشتند اما بعضی بی حقیقتان تیره رای موانع آمده به دلایل پوچ پرداختند، از آنجا که شیطان آدمی آدمی زاد است و مثل بعث چوبی در حکم خود می‌داشتند ممکن نیست که شمه ای از جمله صنایع الوان او در عرصه تبیین تواند آورد، پس ما محتاجان زاویه‌ی خمول را چه یارا که اشتهای لسان را در مضار مطالب عالیه‌ی و سوانح متعالیه او بجهانیم و ما پا شکستگان انزوای گمنامی را چه قدرت و چه توانائی که ابلق السنه را بی براهین ساطع و بی حجت لا مع جولان توانیم داد و ماگم کرده رابان بادیه‌ی عبادات و معاملات و منجیات و مهملکات را چه قوت و چه طاقت که بی معبر و بی سفینه و بی معاونت ملاح اکمل مکمل این چنین مجمع البحرین را عبور توانیم کرد. بنا برین عقل ناقص خود را از توحید و توصیف صنعت صانع قاصر دیده.. " شیطان آدمی آدمی زاد است، ضرب المثل؛ اعلام افتتاح مرتفع گشتن، مصدر مرکب و بیان استعاره؛ لعبت چوبی تشبیه نوین و زیبا که تا کنون هم رواج داشت. گاهی مصنف روایت خود را در انداز محلی تفسیر می‌کند، مثلاً "باران می‌گفت که امروز نوبت من است" اینگونه سبک بیان در متن بهم دیده می‌شود.

مسجع و تکلف در متن: تنوع در نثر نسخهی خطی حضور داشت، گاهی پُر از مسجع و متکلفانه دیده می شود مثلاً "احتشام ظلّ الهی زوَرِ رزم انجمن سرایهنگام بزم شمع شبستان محفل مقدس اینس جلیس علی التحقیق عوامید روزگار، اسوبئی امیرالصغار والکبار..." و "معاونت غیبی و اعانت لاریبی" و غیره. مؤلف با استفاده از تکنیک های عمیق مورد استفاده قرار گرفته است. به ویژه بی نام و فرمان ها محمد شاه نمونه نثر مسجع و پُر تکلف دیده می شود که پُر از تراکیب دشوار و طولیل القاب و صنایع ادبی است.

آهنگ شعری / شاعرانه: این روایت متقدمان را حسنی متن دانسته اند. مؤلف در بیان یک آهنگ شعری پیدا کرده است مثلاً زانان از زمربئی بازان، این شغلان مقابل شیر توانان و غیره به کار بردن ضرب المثل ها: نویسند ضرب المثل ها در متن مانند بزرگان خیلی آورده است و با استفاده ضرب المثل ها یک رنگ ادیبانه و شاعرانه بزرگ پیدا کرده است، که او می تواند تالیف خود را زیبائی دهد مثلاً "کمی را که اقبال باشد غلام" دیگر "زره با خورشید به چه قسم تلاقی تواند و خس را با کوه الوند چه مناسبت" و "روباہ را به شیر شرزه چه مقابله" و "جوی آب را با رود نیل چه برابری" و غیره. مثل های دیگر مانند، گردن تابی (سرکشی) و دست بر زنبور خانه نهادن (یعنی فتنه خوابیده را بیدار کردن) و رو به بازی نمودن (مکر و حیل و فریب) رایج در شبه قاره هستند.

ترکیب های توصیفی: ترکیب ها توصیفی یکی از ویژگی ها نثر قرار دارند، خوشآمدگویان تیره سرشت، گروه خباثت پژوه، گروه نکبت اثر، پادشاه و امرای بی معنی زن خصلتان، خدا فراموشان و غیره ترکیب و قول ها عربی: آمیزش واژه و ترکیب ها زبان دیگر در شعر و نثر کار نویسندگان معتبر به شمار می آید، نویسند برای تزیین متن، اصطلاحات و تراکیب ها و واژه های عربی آورده است، مثلاً: الغیب عندالله، الحمد لله، لیلاً ونهاراً، عروة الوثقی، دوحه الطوی، جنت الماوی، قول معروف زبان عربی "التاخير من الرحمن و التعجيل من الشيطان" و غیره. ترکیب های زبان عربی مانند افضال علی الطلاق، اشجار و احجار، جبل متواری، شوامخ جبال و تراکم اشجار علم غیب بر عالم الغیب، جنت الماوی، کلهم اجمعین، اسود الوجه و غیره نیز در متن دیده می شوند.

واژه های عامیانه و محلی: واژه های زبان محلی در متن مورد استفاده قرار گرفته است، مانند: گهات، پالکی، تالاب، ناله، جهروک، چوک بارش، گوله، چوکی، تهانه، گهری، ساهوکار، شادی، و غیره. نشانه های تاثیر زبان محلی در شکل واژه های و سبک نگارش در نثرش دیده می شود، مثلاً: بارش که به زبان فارسی "باران" است، برای این واژه، بارش آورده است.

اصطلاح بای فلسفه: استفاده از اصطلاحات فلسفه و حکیمانه در نثر آورده شده است. در اینگونه استفاده دشواری نیز در متن دیده می شود، مثلاً "هرگاه صورت علت غایی چنین باشد از علت سفلی و مادی چه خیزد"

اصلاحات حرب و جنگ: مصنف از اصلاحات حرب خیلی استفاده کرده است مثلاً توپ و تفنگ، رهکله و بان و گوله، و گولپئی تفنگ، شمشیر و تیر و کمان و نیزه و گرز، توپخانه خرد و کلان، اسب تازی و اسب خرام، فیل و فیلبان و غیره.

آمیزش شعر فارسی در متن: استفاده از شعر برای تزئین و آرایش و سَنَد وقایع نویسندگان در عباراتش از ابیات زیبا شاعران مختلف نیز استفاده کرده است استفادگی نویسندگان از ابیات زیبا، نثر او را لطیف و خوشایند تر می کند و بر پایه ادبی آن می فراید، نیز ضبط اشعار در متن بسیار به جا و بر محل است که مراد عبارت و زُوداد را روشن تر می کند، نمونه ابیات از متقدمان مانند فردوسی و سعدی و دیگران نیز آورده است.

ابل دنیا کافران مطلق اند

روزشب در حق جق و در حق اند

تاثیر و استفاده از گلستان سعدی: تاثیر گلستان سعدی در متن کتاب می شود دید مصنف از شعر و ضرب المثل، حکایات واز سبک سعدی شیرازی خیلی استفاده کرده است. مثلاً عاقبت گرگ زاده گرگ شود، افعی را کشتن و بچه او را نگ داشتن، هرکه شمشیر زند سگ به نامش خوانند، هر که آمد عمارت نوساخت، هرگاه ای برادر چو عاقبت خاکست، خاک شویش از آنکه خاک شوی، هر که را خوابگاه آخر به دوشستی خاک است، مو مو مثل چشمی آب جاری شد.

روباه اگر بزار حیلہ پردازد

پس خوردی شیر قوت خود در سازد

بکار بردن صنایع ادبی در متن: مانند یک نویسنده ماهر، مصنف از صنایع ادبی استفاده خیلی

کرده است مانند

تشبیه ها: گرایش نویسندگان در کار بردن تشبیهات چشمگیر است مثلاً: مانند کوه الوند استقامت نموده، مثل خرمن، بسان سیاح، بسان رعد غریدن، مانند رمپی گوسفندان، ذره باخورشید، خس با کوه الوند چه مناسبت و "روباه به شیر چه مقابله" و "جوی آب را با رود نیل چه برابری" و اسپان بسان گنجشکها پرواز کرده و غیره

تشبیه تلمیحی: متن پُر از تشبیهات متنوع است، مثلاً "گهات نربدا را چون سد سکندر مستحکم خواهد کرد" و "پَر فرشته خواهد سوخت تا بنی آدم چه رسد" حکایت های آوه چاه بابل و غیره تشبیه تکراری: تشبیه ها که مصنف مکرر استفاده کرده است، مثلاً در متن.. بسان رعد و صاعقه غریدن، از مور و ملخ، بسان نبات النعش و غیره

کنایه: مصنف از به کار بردن کنایات مختلف جامعیت در بیان پیدا کرده است کنایه های زیبا در متن مانند شربت واپسین (کشته شدن) پشت پا خوردن (بی مراد شدن) و خس در دهان گرفتن (تسلیم شدن) و آتش در کاسه و غیره آورده است.

صنعت تضاد: استفاده از واژه های متضاد حسن عبارت است، نویسنده به عنوان کار شناس از این هنر استفاده می کرد مثلاً شب و روز، خرد و کلان، حسن و قبح، سفید و سیاه، لیل و نهار، برگ و پری و غیره

مترادف ها: مصنف مترادف های گوناگون مانند "معاونت غیبی و اعانت لاریبی" و رنج و الم، و غیض و غضب، نان و طعام، به کمال مهارت آورده است.

تلمیح ها: نویسنده برای تزئین متن تلمیحات به کار برده است مانند: حاتم و اسفند یار، افراسیاب و گشتاسب، سام و زال، رستم و سهراب، بیژن و گیو و گودرز و طوس و قارن و پیران و غیره.

ترکیب های نو: نویسنده از ترکیب نو و جدید استفاده کرده است، مانند: نکبت اثر، بی حقیقتان، گل شگفتن، هوا زدگی، شربت واپسین، گذشتنی و گذاشتنی، یک تن هزار تن شدن، شابان زن خصلتان، مار های سران ناپاکان و غیره

غرائب تاریخی: مصنف در کتاب سال و ماه و تاریخ های واقعات و حوادث ذکر نکرده است. کتاب مانند یک داستان دیده می شود و گاهی وقایع بدون ترتیب زمانی بهم دیده می شود، مثلاً: در احوال جنگ عالم علیخان (۱۱۳۲ق / ۱۷۲۰م) ذکر متوسل خان آورده نشود، و بعد از وقایع نادرشاه (۱۱۵۱ق / ۱۷۳۸م) ذکر متوسل خان آورده شده است مجادلتی که نظام الملک آصف جاه با سید دلاورخان (بخشی حسین علی خان) و غیره سرداران سر آمده افواج قطب الملک و امیرالامرا (۱۱۳۲ق / ۱۷۲۰م)

اشتباهات املا / لفظی: مصنف مانند نویسندگان زبان دوم، در بیان اینگونه گسل های کوچک آورده است، گاهی اشتباهات در متن دیده می شوند، مثلاً: برخاسته به جای برخواسته، خاهد به جای خواهد، خونخار به جای خونخوار، گوشت به جای گشت، بندبست به جای بندوبست و غیره.

جمع بستن به جای واحد به طرز بندگی: قبلاً شرح داده ام چون علاقته مصنف به شبه قاره است پس در بیان مفرد و جمع انداز محلی گرفته است، مانند برادران، حتی در فارسی دو برادر آورده اند، موانع به جای مانع به تکرار

آورده است نیز جمع الجمع بهم دیده می شود، مثلاً: افواج ها، حوالی و غیره

مقام و مرتبه کتاب نویسندگان: اثر ارزشمند "احوال الخواقین" مقام والا و بزرگ میان آثار تاریخی دوره تیموریان متأخر داشت. مصنف عهدی بخشی در ارتش شاهی داشت. او بطور سنتی، نویسندگی رسمی نبود اما مانند یک انشاء نویس و مؤرخ همگی جزئیات نثر مرسل و عالی و مسجع و حکایات و شعر و غیره در نثر آورده است و در بیان همگی رویدادها ی چشم دیده و مشاهده کرده به کمال مهارت در کتابش آورده است. بسیاری از حوادث و وقایع که در سایر کتب ذکر نشده اند، در این متن حضور داشتند، به خاطر همین، کتاب میان محققان بین المللی و تاریخ نویسان مقام بزرگ گرفته است.

کتابشناسی منابع:

- احمد، بشیرالدین (۱۹۹۰) واقعات دارالحکومت دہلی (دہلی: اردو اکادمی، ۱۹۹۰، ص ۳۶۴
- منزوی، احمد (۱۹۸۸) فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی پاکستان - اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی، ص ۴۹۶
- نوشاہی، عارف (۱۹۸۴) فہرست نخہ های خطی فارسی: انجمن ترقی اردو، کراچی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات، ص ۱۸۱
- محمد قاسم اورنگ آبادی، احوال الخواقین، نسخہ خطی، ص ۱۲۵
- . Charles Rieu, Catalogue of The Persian Manuscripts in The British Museum (London: Oxford University press, 1879), 276
- . Muhammad Ashraf, a Catalogue of The Persian Manuscripts in the SalarJung Museum & Library (Hyderabad: SalarJung Museum, 1963), 351